

بسم الله الرحمن الرحيم

فلسطين را خلافت و اردوهای اسلامی آزاد می‌سازد؛ نه کنفرانس‌های خائنانه!

(ترجمه)



در بیانیه نهمین دور کنفرانس اسلامی بیت‌المقدس، که در شهر رام‌الله برگزار شده بود، چنین گفته شد: «شهر اشغال شدهٔ قدس برای همیشه پایتخت فلسطین بوده و زیارت آن بالای مسلمانان واجب است.» هم‌چنان درین بیانیه گفته شده: «شخصیت‌هایی که رژیم اشغالی آن‌ها را از سفر به بیت‌المقدس منع کرده، می‌توانند در کنفرانس دهم حضور یافته و به بیت‌المقدس و مسجدالاقصی و دیگر اماکن مقدس اسلامی و نصرانی سفر کنند.» این بیانات در حالی ایراد گردید که علماء، مسلمانان و دعوت‌گران را نیز برین امر تشویق نموده و یادآور گردیدند که این یک فضیلت دینی و یک ضرورت سیاسی است که به خاطر حمایت قدس و همه اماکن مقدسه در فلسطین راه‌اندازی گردیده است. نتایج این کنفرانس نشان می‌دهد که این گام جدید و حلقهٔ دیگری از روند عادی‌سازی بوده که آن را سازمان آزادی‌بخش فلسطین در پیش گرفته که در رأس آن محمود عباس و رژیم شیطانی آن قرار دارد.

اصرار محمود عباس و هوادارانش در تمام وقت برای ترویج و طرح عادی‌سازی دیدارها به شکل قابل توجه و بی‌سابقه، دلیلی بر حرص، ایجاد طرح و برنامهٔ صلح خاینانه‌ای است که محمود عباس تا آخرین لحظات زنده‌گی‌اش در فکر پیروزی آن می‌باشد. اگر موضوع غیر از این است، آیا برای صاحب عقل و هرکسی که ذره‌ای اخلاص در قلب آن است، پوشیده خواهد بود که زیارت مسجدالاقصی و فلسطین در زیر جنگ رژیم اشغالی و آتش گلوله و تفنگ‌های آن قرار داشته و کنار آمدن با سفارت‌خانه‌های این رژیم اشغالگر، در ذات خود به رسمیت شناختن قانون این رژیم اشغالی و ذی‌حق دانستنش بر فلسطین و مسجدالاقصی نیست؟! آیا این خودش از قوانین پذیرفته شدهٔ عقلی و سیاسی به شمار نمی‌رود؟! بلی، محمود عباس و پیروانش چنین استند، اما او و

رهروانش، که در رکابش می‌روند، خود را فریب می‌دهند و می‌خواهند که زیر نام "روابط امنیتی قدس" با رژیم اشغالگر یهود جرایم خود را توجیه کنند.

عباس می‌خواهد فکر امت را از جنگ و قتال با یهود و آزادسازی فلسطین و پاک‌سازی مسجدالاقصی به کنار آمدن با یهود و زنده‌گی با این رژیم اشغالگر کشانده و به زعم خودش آن‌ها را به سوی مبارزهٔ مسالمت‌آمیز ببرد تا بعضی از دست‌آرودهای شرم‌آور را حاصل کند. او در تلاش است که روابط دیپلوماتیک و عادی‌سازی ایجاد کند تا به زعم خودش از این طریق یهود را وادار کند تا از برنامهٔ صلح توسط رژیم فلسطین سپاس‌گذار باشد. لذا او می‌خواهد از صفات حقیرانه‌اش استفاده نموده و یهود را به طرف صلح با مردم فلسطین و امت اسلامی بکشاند، آن‌هم در حالی‌که پروسهٔ صلح از طرف رژیم یهود ممانعت شده و طمع دارند که همه چیز را از آن خود سازند.

پس شکی نیست که عباس با این فروگذاشت‌ها و خیانت‌هایش در جهت استحکام رژیم اشغالگر یهود در سرزمین مبارک فلسطین، یک قهرمان به حساب می‌آید تا به زعم خودش بتواند رؤیاهای خود را از پایان دادن آزار یهودیان و برپائی دولت کوچک شرم‌آور فلسطین، که مهم‌ترین نقش آن حراست از رژیم اشغالگر یهود است، به دست آورد.

این یک واقعیت عینی است که یهود و حامیان‌اش از قبیل امریکا و دیگر دول کفری، دولتی برای یهود ایجاد نکردند تا پس آن را سرنگون سازند و یا پایه‌های آن را متزلزل نمایند؛ بلکه یهود موجودیت خود را به عنوان یک رژیم دست‌نشانده توسط امریکا پذیرفت تا از طریق آن بتواند هویت خود را به رسمیت شناسانده و پایه‌هایش را از طریق برنامهٔ صلح استحکام بخشد. بناءً هر فکر و هر پلانی که از طریق برنامهٔ رژیم خودگردان فلسطین و خواسته‌هایش صورت می‌گیرد، در حقیقت آب را در آسیاب دشمن انداخته و به همین هدف صورت می‌گیرد. اگر قول الله سبحانه:

﴿أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا﴾

[نساء: 53]

ترجمه: آیا آنان را بهره‌ای از ملک است (اگر ملک و قدرت در دست ایشان بود)؟ درین صورت (پیشیزی و سرسوزنی و حتی به اندازهٔ سوراخ هستهٔ خرما) که از آن خرما جوانه می‌زند و ناچیزترین شیء به شمار است)، به مردم نمی‌دادند.

نبود قضیهٔ فلسطین به فضل تلاش‌های رژیم و استعداد والای آن در خود‌گذاری و فروگذاشت‌های اسلامی تا اکنون کاملاً خاتمه پیدا می‌کرد. بدون شک، آزادسازی فلسطین نه به رژیم بی‌ارادهٔ فلسطین در زیر اشغال یهود نیاز دارد و نه هم با رابطهٔ یهود و دولت‌های استعماری و عادی‌سازی رابطهٔ حکام غلام و بی‌اراده؛ بلکه چیزی که برای آزادسازی فلسطین ضرورت است، نیرو و قوت اردوهای اسلامی است، زیرا این اردوها برای آزادسازی فلسطین توانائی داشته و می‌توانند فلسطین را از چنگال یهود، امریکا و دول استعماری

نجات دهند، غیر از آن، تمام تلاش‌ها بیهوده بوده و به نفع دولت‌های کفری استعمال می‌گردد.

جنگ ما در فلسطین جنگ موجودیت یهود در فلسطین است؛ نه جنگ مرزها و صلاحیت‌ها؛ پس قضیه ما با رژیم اشغالگر یهود، از بین بردن ریشه و بنیاد آن از سرزمین مبارک فلسطین است؛ نه تقسیم، صلاحیت‌ها و مقدسات آن؛ چیزی که رژیم خودگردان فلسطین و حکام مسلمان بر آن تمسک می‌ورزند.

برای هیچ مسلمانی پوشیده نخواهد بود که یگانه راه آزادسازی فلسطین، حرکت اردوهای اسلامی در راه جهاد و راه الله سبحانه و تعالی بوده و این کار بالای‌شان واجب است و برای حرکت دادن اردوهای اسلامی واجب است تا صداها بلند شده و از سوی دعوت‌گران فراخوانده شوند. لذا حزب التحریر به خاطر حرکت دادن اردوهای اسلامی و نهضت و بیداری امت مسلمه، کار و فعالیت می‌نماید تا خلافت برمنهج نبوت تأسیس گردیده و اردوهای اسلامی از طریق آن به سوی فلسطین و مسجدالاقصی به حرکت در آیند و از الله سبحانه و تعالی می‌خواهیم که زمان تأسیس خلافت نزدیک باشد.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا﴾

[اسراء: 51]

ترجمه: می‌گویند (نصرت و پیروزی الله سبحانه و تعالی) کی خواهد بود؟ بگو به اذن الله سبحانه و تعالی نزدیک است.

نویسنده: باهر صالح

2 شعبان 1439 هـ.ق

چهارشنبه 18 اپریل 2018